



استاد علی اکبر رحمانی خرمشاهی

## امیرچخماق، کت وشلوار فاستونی است که با گونی رفوشده!

در گفتگویی با استاد علی اکبر رحمانی خرمشاهی

تهیه و تنظیم: عاطفه ابراهیمی

محمد صدوقی ساخت مسجد حظیره آغاز می کند. از مجموعه کارهای ایشان می توان به ساخت مسجد حظیره، مسجد آقا، حرم امام خمینی (ره)، مسجد شکر طمس، مسجد حسنیه و فاطمیه و مرمت کار مسجد جامع کبیر یزد، کاخ گلستان، حمام گنجعلی خان کرمان و کاشی کار امیرچخماق اشاره نمود.

۱۷ شهریور ماه به دیدار این استادکار قدیمی در منزلشان رفتیم و بایشان گفتگوی بسیار کوتاهی در خصوص شیوه صحیح مرمت بناهای تاریخی و حفظ اصالت بافت تاریخی یزد داشتیم. چیدمان: شما در ساخت و مرمت بناهای زیادی مشارکت داشتید، تعریف شما از شیوه مرمت صحیح بناهای تاریخی و مذهبی چیست؟

اول از همه زمانی که به بناهای تاریخی نگاه می کنید متوجه می شوید همه چیز قرینه است این خیلی مهم است که

استاد علی اکبر رحمانی یکم آبان ۱۳۱۵ یا شاید کمی قبل تر! در محله خرمشاه یزد به دنیا آمد. به دلایلی مدرسه نرفته و به گفته خودش چون به ساخت و ساز علاقه داشته از هفت سالگی شاگردی بناها و معمارهای بزرگ یزدی همچون استاد رضا رمضانخانی و استاد کاظم مجیبیان را تجربه کرده است. آنقدر زود پیشرفت کرده که در چهارده سالگی استاد خشت های خام یزد می شود.

علی اکبر رحمانی، پانزده ساله بوده که به عنوان معمار خوش ذوق یزدی به تهران می رود تا معماران این شهر را در ساخت بناها یاری کند. می گوید در تهران با آهن آشنا شده و فکر کرده ترکیب این آهن سخت و خشت خام یزدی، بناها را استوارتر می کند. در همان سال ها خانه پروفسور حسابی را در شمیران می سازد و پس از آن برای ساخت مسجد آقای بروجردی به قم می رود. سال ۱۳۳۲ مسجد جامع کبیر را مرمت و یک سال بعد به پیشنهاد شیخ



بازسازی تکیه امیرچخماق یزد، ۱۳۳۹، استادعلی اکبررحمانی خرمشاهی



بازسازی مناره امیرچخماق یزد، ۱۳۳۹، استادعلی اکبررحمانی خرمشاهی

هم چاه داشت و از آب قنات استفاده می کرد. البته همه به اندازه و صحیح، آب را مصرف می کردند و نکته دیگر اینکه اجازه لایروبی قنات وجود داشت. آبادی شهر یزد به خاطر قنات هایش بود حالا آب لوله کشی هست و مصرف بی رویه. قدیم همه چیز حساب و کتاب داشت. بخش تابستانه و زمستانه خانه ها جدا بوده، محلی برای خشک کردن میوه ها در تابستان و پاییز پیش بینی می شد، حتی ساخت کوچه های هر محله هم با فکر بوده است. کوچه ها دیوارهای بلند داشتند تا در تابستان از سایه انداز آن استفاده کنند، در زمستان هم با پارو کردن برف ها و جمع کردن آن در وسط کوچه، اطراف کوچه برای رفت و آمد باز می شد. سر هر سه راه یا چهارراه هم چاه هایی بود و آب باران وارد آن می شد تا به ساختمان های کاهگلی صدمه نزند.

#### چیدمان: مکان یابی ساخت بازارها چگونه بوده است؟

بازارها ورودی محله ها بود. بازارها مانند شاهراه بودند که دورتادور آن محله ها ساخته شده بودند. یاد می آید زمانی که من کم سن بودم (حدود ۷۵ سال پیش) از حسینیه پشت باغ، یک راه داشت از گازرگاه که وارد حسینیه می شد، یک راه از زیر بازار و از محله پنبه کاران به حسینیه وارد می شد. یک راه هم از محله خواجه خضر می آمد...

#### دربندهای محلی و فامیلی چرا و چطور به وجود آمدند؟

دربندها برای حفاظت بودند. تمام محله ها، دربندهای محلی داشتند که موقع شب، درها بسته می شده است و شبگردی هم بوده که از آن حفاظت می کرده. یکسری دربندهای فامیلی

قرینه سازی را در بناهای تاریخی رعایت کنیم. برای مرمت یک بنا اول باید درک درستی از بنا داشته باشیم یعنی ساختمان را بفهمیم، در مرحله بعد باید اجزاء بنا را به درستی بشناسیم. وقتی می توانیم مرمت را شروع کنیم که درد ساختمان را فهمیده باشیم. وقتی درد بنا را شناختید می توانید آن را درست مرمت کنید. و همانطور که گفتم باید قرینه را در نظر بگیرید، یعنی باید از قسمت های ساختمان که هنوز سالم است الگو برداری کنید، قسمتی که می خواهید بازسازی شود در ذهن مجسم کنید و سپس مرمت بخش های تخریب شده را شروع کنید. پشت همه بناهای تاریخی و مذهبی ما، فکر بوده، برای مرمت آن ها نیز باید با فکر وارد شد. چند وقت پیش از مقابل مسجد جامع رد می شدم، دیدم در حال مرمت طاق گنبد چهارسو هستند، پرسیدم چرا قالب نساختید مگر مهندس و معمار ندارید؟ گفت: مگر قالب می خواهد!!! بدون قالب کار یکنواخت و درست از آب در نمی آید. مشکل همین است که امروز قواعد ساختمان را رعایت نمی کنند.

#### چیدمان: در گذشته مکان یابی برای عناصر مهم محله مثل مسجد، آب انبار، بازار و... به چه صورت بوده است؟

در گذشته، شهر یزد محله های مختلف و مشخصی داشت. هر محله هم یک آب انبار، مسجد و حمام داشت که در کنار هم ساخته می شد. خانه ها هم اطراف این ها گسترش پیدا می کرد. خانه ها روی قنات هایی ساخته می شد که از زیر شهر عبور می کرد و محل تأمین آب شرب و کشاورزی بوده است. هر خانه





تکیه امیرچخماق

یزد یکی از منحصربه‌فردترین بافت‌های تاریخی را دارد، مهم‌ترین مشکل در روند احیای این بافت چیست برای احیای آن چه باید کرد؟

اگر بخواهیم بافت تاریخی یزد را حفظ کنیم باید همان‌گونه که در قدیم بوده بازسازی و حفظ شود. اول از همه اینکه کوچه‌های بافت نباید آسفالت شود چون آسفالت نم را در خود نگه می‌دارد و به دیوارهای خشت و گلی پس می‌دهد و باعث خرابی آن‌ها می‌شود. کوچه‌ها باید خاکی یا سنگ ریزه باشد. آجر هم می‌توان استفاده کرد. در محل به هم رسیدن سواره‌ها و دوراهی‌های کوچه‌ها، چاه هست که آب بارندگی وارد آن شده و به بافت آسیب نرساند این چاه‌ها را نباید محو کنند. برای بازسازی خانه‌های داخل بافت هم به هیچ وجه نباید از آجر و سنگ استفاده کرد برای یزد هیچ چیز بهتر از کاه‌گل نیست.

سخن پایانی استاد علی اکبر رحمانی، نصیحتی بود به ما... پیغمبر اسلام فرمودند: خدا نکند امت من مادی شوند! متأسفانه در این زمانه همه مادی و پول‌پرست شده‌اند. اسلام را باید با دو چیز شناخت یکی امانت‌داری و خیانت نکردن در امانت و مال مردم و دوم روی باز و اخلاق خوش. اگر این دو چیز را دارید یعنی همه چیز دارید. ■

هم وجود داشت چند خانواده که با هم خویشاوند بودند در کوچه‌ای خانه‌های جداگانه داشتند و ورودی کوچه یک در وجود داشت، مثل دربند وزیری‌ها، دربند گرجی‌ها که مخصوص به اهالی همان فامیل و خانواده بوده. یکی از دربندهایی که هنوز هم هست زیر بازار مسجد ملا اسماعیل است. در روز مردم عادی می‌توانستند از این کوچه‌ها رفت‌وآمد کنند البته کوچه‌های دربند اغلب بن‌بست هستند. به‌طور کلی ورودی‌های شهر دروازه داشتند، بعد هر محله دربند داشت و سپس چند کوچه که دربندهای فامیلی را تشکیل می‌دادند.

شما در مرمت کاشی‌کاری مجموعه امیرچخماق حضور داشتید (در زمان پهلوی نیز با تلگرافی مانع تخریب آن در روند گسترش شهر یزد شدید) نظرتان درباره مرمت کنونی و اضافه نمودن بخش‌هایی به مجموعه چیست؟

من عکس ۷۰ سال پیش مجموعه امیرچخماق را دارم هیچ‌کدام از بخش‌هایی که الان اضافه شده قبلاً وجود نداشته و ربطی به اصالت امیرچخماق ندارد. باید دید با چه مجوزی چنین ساخت و سازهایی انجام دادند. ساخت و سازهایی که به غیر از هدر دادن سرمایه این مملکت، فایده دیگری ندارد. در گذشته وقتی وارد امیرچخماق می‌شدید سمت راست یک راه داشت که وارد کوچه آبشخور می‌شد، بعد از آن هم کاروانسرا بود. روبروی آن حمام امیرچخماق و دهنه بعدی هم دوباره کاروانسرا بود. الان امیرچخماق مانند کت و شلواری است که با پارچه فاستونی دوخته شده بوده اما با گونی آن را رفو کرده‌اند!...